



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۶۸

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

پنجشنبه هشتم آبان ماه ۱۳۰۹ - ۷ جمادی الثانیه ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه
 داخله ۱۰۰ تومان
 خارجه ۱۲۰ تومان
 تك شماره: بکقران

مطابعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه هشتم آبان ماه ۱۳۰۹ (۷ جادی الثانیه ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره مرخصی
- ۳) شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی
- ۴) شور اول ماده صنفی ایران و آلمان
- ۵) بقیه شور ثانی لایحه ممیزی از ماده ۴
- ۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس چهار ساعت و سه ربع بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس چهارشنبه هفتم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر)
صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - تصویب شد خبر دیگر

[۲ - تصویب دو فقره مرخصی]

خبر مرخصی آقای دکتر امیر اعلم

رئیس - دو فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود.

خبر مرخصی آقای هزار جریبی

نماینده محترم آقای دکتر امیر اعلم تقاضای سه

نماینده محترم آقای هزار جریبی تقاضای هفت روز مرخصی از ۷ آبان ماه ۱۳۰۹ نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

روز مرخصی از تاریخ ششم آبانماه ۱۳۰۹ نموده اند

کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد

رئیس - موافقین با مرخصی آقای امیر اعلم قیام فرمایند

(اکثر برخاستند) تصویب شد.

[۴ - شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه مربوط بشور دوم

مخالفتی نیست؟ (خیر) موافقین با مرخصی قیام فرمایند

لایحه ممیزی قرائت میشود:

† عین مذاکرات مشروح یکصد و شصت و هشتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دائرة تدوین و تحریر صورت مجلس

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین مالیه با حضور آقای وزیر مالیه شور ثانی لایحه اصلاح ممیزی را بضمیمه پیشنهادات واصله از طرف آقایان نمایندگان مورد شور و مذاقه قرار داده و با اصلاحاتی که بعمل آمد راپرت آنرا تنظیم و تقدیم مجلس مقدس می نماید.

ماده اول - از تاریخ تصویب این قانون باستاندای نقاطیکه دولت بملاحظه احتیاجات ارزاقی ابقاء مالیات جنسی را در آنجا صلاح بداند مالیات مزبور بطور دائم تبدیل به مالیات نقدی خواهد شد نرخ تسعیر برای تعیین اساس این تبدیل مطابق نرخ آزاد متوسط جنس درصت ماهه اخیر بدون آفت در محل معین خواهد شد برای تعیین نرخ متوسط جنس در هر یک از ولایات جزء کمیسیونی بشرح ذیل تشکیل خواهد گردید

۱) حاکم یا نماینده او

۲) رئیس مالیه یا نماینده او

۳) رئیس بلدیه یا نماینده او و در نقاطیکه رئیس بلدیه ندارد رئیس انجمن بلدیه

۴) دو نفر مالک از معتمدین محل و یک نفر تاجر غله که باتوافق نظر حاکم و رئیس مالیه معین میشوند

رئیس - ماده اول مطرح است آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرض این است سه چهار سال پنجسال قبل يك قانون ممیزی آمد به مجلس دومرته یا سه مرتبه هم اعتبار بجهت آن گرفته شد تقریباً يك کرور تجاوز

خرج دولت و ضرر مردم شد تا این قانون ممیزی را يك سر و صورتی دادند يك نقطه که دست خود بنده

بود شش روز یا هفت روز گرفتار بودیم تا این نقطه عملش خانه پیدا کرد حالا دومرته آن قانون را تقریباً

میخواهند بهم بزنند اولاً که يك خرج گزافی بجهت دولت خواهد شد این يك ضرری خواهد شد و این

يك ضرری است دوم يك صدمه و زحمتی بجهت مردم تولید خواهد شد سوم بنده گمان نمیکنم هیچ بنبغ دولت تمام شود چرا بجهت اینکه در آن ممیزی که شد زمانی

بود که همه چیز تقریباً گران بود از روی قیمت های گران و عایدات زیاد يك قرارداد هائی بین مالک و دولت تمام شد و گذشت حالیه دومرته قانون ممیزی را میخواهند تجدید کنند یا اینکه این قانون ممیزی دومرته تجدید میشود تبعیض میکنند یا تمام میکنند

اگر تمام باشد که بضرر دولت تمام میشود بجهت اینکه آنهائی که گذشته مگر کم جائی تمام بنبغ دولت گذشته

اگر نخواهند تبعیض بکنند هر جائی که بنبغ دولت بوده باقی بگذارند و هر جائی که بضرر دولت

بوده تجدید کنند آنوقت این يك ضرری به ملاکین و فلاحین و رعایا تقریباً میشود از آنجائیکه

بنده عقیده ام این است که چون در این مملکت نه معادنی استخراج میشود نه کارخانجاتی داریم و هیچ

نداریم بجز يك فلاحه ناقصی و بر همه ماها فرض و لازم است که این فلاحه را ترویج کنیم فلاحین را

تشویق کنیم آنها را خردار کنیم علاقمند به فلاحشان کنیم نه اینکه همه روزه اسباب زحمت و تولید اشکالی

برای آنها بشود بنده با این قانون مخالفم وضع فلاحه و فلاحین را اگر بخواهم عرض کنم يك جمعی يك

مختصری يك نمونه عرض کنم در سه هفته قبل بنده شب در فیروز آباد بودم که بهترین و معتبرترین دهات

است همه میدانید (ملك آرائی - صحیح است) قند ما تمام شده بود گفتیم برویم پنجسیر قند بیاوریم هر

جائی رفتند نوبی فیروز آباد باین بزرگی قند پیدا نکردند میگویند نه هر کدام که این وضعیات را قبول ندارید

بعد بروید بیرون ببینید این وضعیات رعیت است امروز از همه طرف بفلاحه و فلاحین فشار وارد می آید

مالکین هم تقریباً حالشان دارد مثل آن فلاحین میشود چون فلاحه و رعیت وقتی بی چیز شدند نمیکذارند

گیرا يك چیزی نباید بهر وسیله شده است از عایدات مالک جلوگیری میکنند باین ملاحظه بنده عقیده ندارم

این قانون ممیزی تجدید بشود همان قانون سابق را محکم (اگر صلاح بداند) نگاه بدارند تا اینکه مردم

انشاءالله يك ثروتی يك عایدی پیدا کنند آنوقت می خواهند تجدید بکنند مختارند ولی حالا که مردم چیزی ندارند از چهارطرف فشار به آنها وارد می آید

يك نفر چهار خروار گاه دارد در از بارش را مهر و موم میکنند یکی دم دروازه دونا بار گاه دارد می آورد

میگویند باید فلاقتدر بدهی خودش هم چیزی ندارد که بدهد فکر بکنید ببینید آیا صلاح است که اینقدر

سختگیری بمرم به فلاحین بهتجار به کسبه صلاح هست بکنند اگر صلاح نیست يك اندازه باید بامردم مدارا

کرد بامردم راه رفت سابق ها عرض کردم با سیزده کرور این مملکت اداره می شد (حالا خوب اداره نمی

شد آن راه تصدیق میکنم) خوب با سیزده کرور چطور مملکت اداره می شد ولی حالا عایدات دولت از همه

جبهت از حیث انحصار و غیر انحصار متجاوز از صد و سی کرور است باوجود این این مملکت فقیر را بنده

صلاح نمیدانم و عقیده ندارم از قبیل قانون ممیزی و قانون عتیقات اینها به مجلس بیاید بامردم باید مدارا

بشود بامردم باید مهربانی بشود تا انشاءالله صاحب ثروت که شدند مثل سایر ممالک سایر دول که وقتی دولتشان

محتاج پول می شد یکمرتبه هزار میابون پول میداد ملت بجهت دولت خودش مردم را صاحب ثروت بکنند صاحب

علاقه مندی بکنند تا اگر يك پیش آمدی بشود آنطور ملت فداکاری بکنند بجهت دولت باین طریق من صلاح

نمیدانم روز بروز اسباب دلتنگی و فقر مردم زیادتر می شود باید اینجور قوانین به مجلس نیاید و از مجلس نگذرد عقیده خود بنده است.

رئیس - آقای ملک مدنی *

ملك مدنی - آقای فیروز آبادی لایحه را درست دقت فرمودند تصور کردند که دولت يك لایحه جدیدی

برای ممیزی تقدیم مجلس کرده و تمام نقطه نظرش هم این بوده است که يك ضیقانی بزراع و رعیت کرده

باشد در صورتیکه اینطور نیست بنده میخواهم برای رفع سوء قنایم از حضرتعالی (یکنفر از نمایندگان - بلندتر)

یکتقدری مفصل مطالب راعرض کنم که خاطر نشان از تکرانی دور شده باشد این قانون بقیده بنده يك اصلاحی

است در ممیزی و آن لایحه ممیزی سابق دوسه عیب داشته که دولت متوجه آن شده که خواسته آن معایب را مرتفع کند ضمناً هم يك نقطه نظری داشته است که آن

نقطه نظرش را در قانون وارد کرده است. آن نقطه نظر قانون چه بوده است؟ این بوده است که در يك قاطعی

که يك ممیزی هائی شده و يك اعمال فوضهائی در آنجا شده و ممیزین بالاخره يك ممیزین درست کاری نبوده اند

رفتند آنجا و منافع دولت را حفظ نکرده اند اصل مقصود دولت این بوده و آن چیزی هم که اسباب نوهم

اغلب شده این است و قاطعی هم که ممیزی آن از روی عدالت شده البته هیچ مورد تردید وزارت مالیه نبوده

تجدید نظر نخواهد شد بنده هم اینجا میخواهم عرض کنم که ما نظر نداریم که در این مملکت يك قاطعی ممیزی

بشود که يك اشخاصی صدی سهونیم را صدی دو داده باشند و يك قنایم خرده مالکی صدی سهونیم را صدی

چهار و پنج داده باشند حضرتعالی همانطوری که فرمودید تماس دارید باخره مالکین و زارعین و فرمایشات و

صحبت هاتان در این زمینه است که حفظ منافع آنها شده باشد دولت هم همین نظر حضرتعالی را دارد و در تقدیم

این لایحه بمجلس هیچ این نظر را نداشته که باز نیست به آن طبقه تضییقی کرده باشد هر جائی که ممیزی شده

و ممیزی آن هم فرض کنید که زیاد تفاوت ندارد و بر دولت ثابت نشده است که ممیزین آنجا رفتند روی

يك وضعیاتی بالاخره مالیات را کم کرده اند من قطع دارم که هیچ دست به آن ممیزی ها نمیزند اصل رویه

و عقیده دولت این است و خیال میکنم با این اصلاحاتی هم که در شور اول و شور دوم در کمیسیون مالیه باتوافق

نظر آقای وزیر مالیه شد که حقیقتاً اصلاحات بزرگی کردند و بازم حاضرند که اگر يك چیز هائی بنظر

آقایان میرسد در این شور ثانی پیشنهاد کنند (مهدوی - انشاءالله) و موافقت فرمایند آقایان بنظر بنده باید رئیس

کرد فکر آقای وزیر مالیه را زیرا ایشان يك نظری دارند و مقصودشان این است که مالیات دولت حفظ شده

باشد و ضمناً هم البته این عوائد حقیقی که در این مجلس قانونی برای آن وضع شده عاید دولت بشود بنده خیال نمیکنم نه حضرتعالی نه هر يك از ملاکین این مملکت نظر

نان این باشد که غیر از آنچه که عایدات قانونی است تحویل مالیه شده باشد این منظور را هم خود وزیر مالیه دارند اما آن دو سه قسمتی که عرض کردم مفید است و در این قانون اصلاح خواهد شد و مخصوصاً برای طبقه خورده مالک و زارع که آقا متوجه است خوب است این است که اولاً این مالیات جنس يك مالیاتی بود که همه ماها مبتلا به ما بود برای يك خروار یا پنج خروار مالیاتی که در يك ده يك خورده مالکی یا مالک کل میخواست بدهد يك مأمور و يك تحصیلدار میرفت در روز سه روز در آن ده توقف میکرد تا اولاً جنس را جمع آوری میکرد بعد حمل میکرد می آورد در مرکز بلوک یا يك شهری که انبار بود آنجا تحویل بدهد وقتی میآورد آنجا از هر خرواری ده من پانزده من کسر میکردند اینجا دولت متوجه شده و مجلس هم خیال میکنم با این فکر خیلی موافق باشد که این مالیات جنسی را نقدی کند که اساساً این آمد و رفت مأمور و تحصیلدار بکلی قطع شده باشد که مردم از این زحمت خلاص بشوند بنده یاد دارم که مکرر خود حضرتعالی همین جا آمدید صحبت کردید که این جنس که میآید آفت و مرگ و این حرفها چه چیز است چرا باید بالاخره در جنس اینقدر تضییق بکنند این بجهت آن است قسمت دوم بعقیده بنده يك اصلاح بسیار خوبی است که در کمیسیون شد و خود آقای وزیر مالیه موافقت کردند این است که در مراکز بلوک و يك تقاطعی که تشکیلات مالیه نیست ما آمدیم حق دادیم به امضاء مالیه که يك اشخاصی بنام قائم مقام خودشان در محلها معین کنند که اشخاص مالیات بده مالیهاتشان را بانها بدهند دیگر احتیاج نداشته باشند از سی فرسخ بنیابند به مرکز مالیه و پول داده باشد که اگر فرض يك نفری دو تومان مالیات میخواهد بدهد در تومانی عوارض آمد و رفت داشته باشد در این قانون قید شده که شاید بنظر تان رسیده و یکی دیگر هم طرز پرداخت مالیات در این مملکت هیچ معلوم نبود هر امین مالیه هر رئیس مالیه هر طوری میخواست

رفتار میکرد يك وقت اول سال میکردند يك وقت وسط سال میکردند بعضی را دلشان میخواست آخر سال میکردند حالا دولت در این قانون آمده است نظری گرفته است که باشش قسط متساوی این مالیات را البته از برداشت محصول مؤدیان مالیات بپردازند این است که بنظر بنده مورد تکرانی نیست و تصور میکنم این قانون با این اصلاحاتی که شده و اگر هم باز نظری باشد آقایان پیشنهاد کنند و اصلاح خواهد شد برای خودمالکین مفید است

رئیس - آقای طلوع

طلوع - متأسفانه از چندی قبل مذاکرات در مجلس يك شکل خاصی بخودش گرفته و البته نمایندگان محترم مجلس شورای ملی هیچ نظر و مقصودی ندارند جز اینکه از نقطه نظر اصلاحات و منافع و مصالح عمومی مملکت و دولت و ملت يك مذاکراتی در مجلس میکنند يك حرفهائی میزنند اساساً جواب هیچ مطابق با آن اظهارات نیست و میروند روی يك قضایای دیگر و روی کلیات و قضایا و حقیقه با تصدیق نمایندگان محترم که بنده دو دوره افتخار نمایندگی و همکاری با آقایان داشتم هیچوقت از حدود تراکت و ادب خارج نشده ام بنده صحبت از خط مبر میکنم جواب از نخت جمشید و خرابه های شوش و سایر ابله تاریخی این مملکت میشنوم در صورتی که نه من و نه آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی هیچکدام مخالف نیستیم که آثار ملی ما حفظ بشود و مصون از هر تعرض باشد و حقیقه هر چه لازم نیست فدغن کند دولت که خارج نشود و بنده مخصوصاً راجع به مالیات صحبت کردم جواب میشنوم که اساساً مالیات نگیرند بنده با حضور آقایان با تصدیق خلاصه مذاکرات مجلس شورای ملی کی بنده عرض کردم مالیات نگیرند بنده عرض کردم مالیات بگیرند ولی در حدود استطاعت مردم و وسایل تسهیل طرز وصول مالیات را هم فراهم کنند این اصل مقصود بنده است و بنده نمیدانم حقیقه چرا آقایان ناین اندازه بعضی آقایان وزراء عرض کنم نسبت به

بنده بی لطفید و بنده غلش را هم نفهمیدم بنده عرض کردم در موقعی که آقای تقی زاده وزیر هستند و مورد توجه مجلس شورای ملی هستند و ما هم از ایشان انتظار داریم در زمان تصدی ایشان هیچگونه حیف و میل در راه آهن نخواهد شد ولی بنده عرض کردم هیچجه ملیونی که ما به سندیکای راه آهن دادیم چه شده و چه کردند ولی بالاخره آقا فرمودند ما يك خانه ساخته ایم صد هزار تومان خرج داشته است در و دیوار و اینها را درست کرده ایم يك روزنه باقی مانده است خواستیم آنرا درست کنیم بالاخره آن شد

رئیس - داخل موضوع شوید .

طلوع - بله چشم مقصود عرض بنده این بود که بنده عرض نکردم مالیات گرفته نشود عرض کردم بقدر استطاعت مردم مالیات از شان بگیرند و وسایل تسهیل و آسایش عمومی را فراهم کنید و طرز اجرا را هم يك طوری قرار بدهید که اسباب زحمت مردم نشود و بعد هم تذکر دادند که مالیات خون باید بدهید بنده از آقا سؤال می کنم ملت ایران بعقیده بنده و آقایان نمایندگان هیچوقت در پرداخت مالیات خون از دیگران عقب نمانده اند ما مالیات خون داده ایم و میدهیم خود آقای تقی زاده میدانند ما چقدر مالیات خون داده ایم و میدهیم چه خون های کرانبهائی چه خون های مقدسی همین دو ماه قبل مگر از نظر ما محو شده است که حقیقه همین مالیات خون همین نظامیان رشید ما مگر کم رشادت و شجاعت بخرج دادند حقیقه داد شجاعت و رشادت دادند حقیقه اینها مالیات خون است که ملت ایران میدهد و در آنیه هم خواهد داد چنانکه از روزی که قانون نظام وظیفه از مجلس گذشت و اجرا شد اگر مراجع بفرمائید يك نفر از نمایندگان از کسی توسط نکرد که شما فلان پسر یا برادر یا قوم و خویش یا رفیق یا فلان دوست بنده را معاف کنید اگر يك شکایتی هم کرده اند از طرز اجرا بوده میگفتیم هفتادساله را شما بیست و یکساله ننویسید در قرون

پندر و پسر زامشمول قرار ندهید عرض ما از ابن قبیل است از اینها جلو گیری کنید و گرنه بعقیده بنده و هم آقایان نمایندگان ما در دادت مالیات خون از هر حیث از دیگران شاید مقدم تر باشیم و در بصورت اگر يك مذاکراتی در مجلس شورای ملی میشود یا هر يك از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی میکنند روی اصلاحات است و از نقطه نظر منافع و مصالح مملکت است از نظر مصالح عمومی است از نقطه نظر سرعت جریات کارهای خود دولت است حالا این قانون جدیدی که آمده بنده در آن جلسه عرض کردم که هم با قانون تمیزی مخالفم و هم با این قانون ولی آقای مدنی میفرمایند که تحصیلدار نباید برود و باید راحت باشیم از او بعقیده بنده این هم تحصیلدار را زیاد میکند هم مردم را با تحصیلدار دست بگریبان هستند هم حقیقه يك معایب دیگری دارد که بنده الان عرض میکنم و استدعا میکنم آقای تقی زاده توجه بفرمایند و بی لطفی نکنند و بعد هم فرمایند که فلانی گفت مالیات نگیرند ماده اول اینجا نوشته است از تاریخ تصویب این قانون با استثنای تقاطعی که دولت بملاحظه احتیاجات ارزاقی ابقاء مالیات جنسی را در آنجا صلاح بداند مالیات مزبور بطور دائم تبدیل بمالیات نقدی خواهد شد این يك حقی است که دولت برای خودش قائل شده است بالاخره ما آمدیم مطابق این لایحه میگوئیم بله مالیات جنسی تبدیل میشود به نقدی در صورتیکه این طور نیست بالاخره این اختیار دو جنبین نیست دارای يك طرف است یعنی اختیار دارد دولت هر جا را که صلاح بداند جنس بگیرد و هر جا را که صلاح نداند تبدیل کند به نقد حالا این حقیقه ممکن است مورد سوء استفاده بشود يك جائی يك پیشکار مالیه اساساً آمده است میگوید بنده از نقطه نظر ارزای میل دارم که جنس بگیرم در صورتی که مطابق این قانون باید تسعیر بشود بعقیده بنده اولاً بنده معتقدم از نقطه نظر ارزاقی ارزاق حقیقه در این مملکت يك طرز غریب و عجیبی شده است دولت ارزاقی را برای چه

آزاد نوشته ایم اما اینکه نرخ آزاد را چطور معین میکنند و این اشکال دارد همین امروز در کمیسیون شور اول آن تمام شده و الان آمده است همین امروز بعضی آقایان متوجه شدند که شاید اشکالی هم در تعیین نرخ آزاد پیدا شود چطور معین میکنند بعضی جاها است که نرخ آزاد نبوده او را هم شاید میشود بیک ترتیبی درست کرد که نرخ ارزاقی نباشد پس اینکه میفرمائید چطور میشود دولت هر وقت خواست تسعیر میکند هر وقت نخواهد تسعیر نمیکند بنده این اشتباه را رفع میکنم این را که بعضی آقایان خیال کردند ما میگوئیم که دولت هر سال بخواهد تسعیر نمیکند هر وقت بخواهد نکند این هم این طور نیست. يك دفعه که تبدیل شد به نقدی همیشه در نقدی خواهد بود مگر بعضی نقاطی که برای جلوگیری از قحط و غلا یا فلان دولت ملاحظه کند. دولت هم در واقع پاشپان مردم بقی همجو تصور میکنند که دولت يك جایی را که هیچ قحط و غلا هم در آنجا نیست میگویند تسعیر نمیکند تبدیل هم نمیکند خبر اینطور نیست. يك جاهایی است معلوم است اگر این تسعیر واقع میشود تصور میروند مملکت دچار قحط و غلا بشود آنجاها را ما در نظر گرفتیم که این تبدیل نشود و گمان دارم بعد از چند سال بکلی این را هم رفع کنیم ولی عجاله نمیخواهیم این را تعیین کنیم در باب اینکه این کمیسیون باید معین شود این را باید اولاً آقایان رفع اشتباه کنیم روز اول هم عرض کردم که اینها يك مسأله است راجع به موضوع حاکمیت دولت. ما اول از يك جایی میگیریم می جلو میبریم می ارفاق میکنیم آخرش هم میگوید بیایید يك محکمه درست کنید یا دولت خودش يك جایی که میخواهد نرخ را معین کند قاعده معمولیش این بوده است که بگوید اداره مالیه معین کند. سوء ظن هائی و دغدغه هائی و وحشت هائی در خاطرها هست که میگویند کار را بکلی بمأمور دولت و مأمور مالیه اش بگذارد يك مأمور مالیه دیگر هم آنجا روانه نکند همراهش که آن کار را نکند بدهم گفتیم خیلی خوب

حاکم هم آنجا باشد بعد باز دامنه اش را وسعت دادیم گفتیم رئیس بلدی هم باشد خوب چند نفر از مأمورین دولت هم که توافشان برندی و اجحاف شاید ممکن نباشد آنها را هم گفتیم بعد گفتیم دوسه نفر از مالک هم باشد بنده عرض میکنم آن دوسه نفر مالک و آن يك نفر تاجر غله اگر با توافق نظر حاکم یارئیس مالیه معین می شود اگر دوسه نفر دیگر هم بخواهیم معین کنیم اینها هم باید بنظر رئیس مالیه و حاکم معین بشود ما اینجا بمحاکمه و محکمه که نمبرویم که بگوئیم شما عده معین کنید ما هم عده معین کنیم و برویم محاکمه کنیم و با کثرت رأی حکمیت بدهند در جای دیگر قانون آنجائی که بعد می آید که خبرها جمع شوند و معین کنند که اساساً این ملک این محصول این عایدی را دارد یا ندارد آنجا ما اجازه دادیم که خود مالک هم خبره معین کند و مرضی الطرفین باشد اما اینکه ما برای تسعیر جنس یا تبدیل نقدی در اینجا هم بیایند يك چیزی معین کنیم که طرفین بیایند چیز بکنند خبر نرخ شهر معلوم است دیگر اگر دوسه نفر آدمی که مسئولیت دارد در مقابل دولت و از مستخدمین مهم دولت است باشد کافی است که نرخ را معین کنند منتهی گفتیم از مالکین دوسه نفر هم باشند و ممکن است از نرخ شهر سررشته داشته باشند تاجر غله هم باشد که ممکن است او هم سررشته داشته باشد اینها را خود دولت پیشنهاد کرده است و البته راه دیگری نیست برای اینکه در شراکت قبول کردیم در این کار آن کسی که نرخ برای او معین می شود اولاً برای هر کسیکه يك نرخ معین نمی شود. که هر صاحب ملکی يك نفر پیارود در يك شهر تماماً يك نرخ معین می کنند این طرف را کی باید معین کند یعنی تمام مالکین شهر جمع می شدند يك جایی يك آدم را معین میکردند وقتی نرخ را معین می کنند متعلق بهمه مالکین است. از این حیث البته نمایندگان دولت با هر قدر وسعتی که ممکن است معین می شود یا رئیس بلدی یا رئیس انجمن بلدی و مالکین دوسه نفر را دعوت می کند تاجر غله و نرخ را معین می کند البته همان طور است که فرمودید در قمر مالک هم باید معین شود باید توافق نظر رئیس مالیه و حاکم راجب

کند. در خانه باز تکرار میکنم این ماده يك ارفاق زیادی است برای مردم بواسطه تبدیل مالیات نقدی و تسعیر برای همیشه و زحمت مردم را کم خواهد کرد يك پاره مالیاتشان معین می شود و میداند چقدر است و شش قسط برایشان معین شده و مسأله تسعیر هر سال هم برای وزارت مالیه هم برای تسعیر کنندگان هم برای مأمورین مالیه و تحصیلدارانی که بعضی اوقات اینقدر شکایت از آنها می شود ددرس دارد و برای تعیین نرخ آنجاها که آزاد نیست قید نرخ آزاد هم گذاشته شده است این اشکال رفع شود و برای اینکه تعیین کنندگان نرخ کم نباشد وسعتی داده شده است که عده زیادی باشند که کمتر احتمال غرض ورزی یا چیز دیگر برود لذا بنده گمان میکنم تمام ملاحظات درش شده و دیگر اشکال جدیدی نمانده است بعضی از نمایندگان - کافی است.

مؤید احمدی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

مؤید احمدی - عرض کنم بنده تصور میکنم يك موضوعی است که فراموش شده و اگر تذکر بدهم شاید قبول بفرمائید از این جهت اگر اجازه میفرمایند عرض کنم

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد کنید

بعضی دیگر - بفرمائید

طلوع - لایحه باین بزرگی را بگذارید چند نفر صحبت کنند

رئیس - بفرمائید

مؤید احمدی - بنده از اشخاصی بوده ام که واقفاً با این قانون کاملاً موافق بوده و هستم مخصوصاً با این ماده اول فقط يك اشکالی دارم که باید عرض کنم و آقای مخبر و آقای وزیر مالیه توجه بفرمائید و این اشکال را رفع بفرمایند. اولاً بحساب زیادی که تبدیل مالیات جنسی به نقدی دارد لازم نمیدانم عرض کنیم برای اینکه همه آقایان می دانند که چقدر اذیت به مردم می کردند در سر تسعیر جنس (صحیح است) لکن این جا نرخ

را چه جور معین کرده اند؟ نرخ شصت ماه اخیر بدون آفت حالا اگر يك نقطه پیدا شد که در این شصت ماه ما شصت آفت بود آنجا چه باید بکنند نظیرش را آن عرض میکنم الان پنجسال است کرمان دچار ملخ خوارگی است همه آقایان میدانند کرمانی که باندازه جنس داشت که همه ساله هفت هشت هزار خروار جنس از کرمان حمل به یزد میشد الان پنجسال متوالی است که بواسطه ملخ خوارگی حتی از عراق جنس بکرمان میرود از اصفهان تجار میبرند پارسال خود دولت از سیستان جنس بکرمان فرستاد حالا میخواهیم نرخ پنجسال اخیر را معین کنیم هر پنجسال آفت داشته در این قانون هم پیش بینی نکرده است که اگر جایی باشد که پنجسال متوالی آفت داشته باشد چه نرخ معین کنند (ملك آرائی - بدون آفت است) آخر قید اخیر دارد اگر قید اخیر نداشت بنده فرمایش سرکار را تصدیق میکردم هرگاه بود شصت ماه بدون آفت صحیح بود می گفتیم از هرسالی که باشد (ملك مدنی - بدون آفت را میگیرند) خیر قید اخیر دارد میگوید شصت ماه اخیر خوب این توضیح را بدهید که غرض از این شصت ماه اخیر قبل از شصت ماه را هم میگیرند عرضی ندارم این توضیح را آقای وزیر مالیه یا آقای مخبر بدهند این یکی يك عرض دیگری هم دارد اگر این توضیح را بدهید که شصت ماه اخیر قید از برای این پنجسال نیست و غرض این است که پنج سال اخیر بدون آفت ولوده سال قبل باشد آنوقت رفع اشکال میشود و اما در فقره ۳ از ماده اول که رئیس بلدی نوشته اند بنده نمیدانم چه غرضی داشته اند از اینکه رئیس انجمن بلدی نوشته اند مگر نه این است که رئیس انجمن بلدی با این ترتیب انتخابی که معین کردیم که مردم شصت و دو نفر را مثلاً در طهران یا چهل و چهار نفر در کرمان انتخاب کنند آنوقت هیئت دولت ازین آنها شش نفر یا دوازده نفر را معین میکنند رئیس انجمن بلدی هم بحکم وزارت داخله منصوب میشود ولیکن چون يك جنبه ملی دارد هم از طرف مردم انتخاب شده و هم از طرف دولت و حکم از وزارت داخله در

دستش است اینجا دو نفر یکی حاکم یکی پیشکار مالیه از طرف دولت دوفتر معتمدین محل از طرف مالک بکنفر از تجار که در واقع مشترک است ولیکن رئیس انجمن بلدی را اگر رئیس بلدی بنویسیم پاک از طرف دولت میشود سه نفر از آنطرف و دو نفر از اینطرف این خلاف عدالت است اما اگر بنویسیم رئیس انجمن بلدی که هم منتخب مردم و هم منتخب دولت است دیگر دولت باو حکم داده است این بهتر است بنظر بنده آنوقت تعادل هم میشود دو نفر در واقع بانتخاب طرفین است دو نفر هم از طرف دولت دوفتر هم از طرف مردم. پیشنهادی هم عرض کردم

مخبر .. اجازه میفرمائید؟

رئیس .. بفرمائید

مخبر - در قسمت اول اشکالی که فرمودید نظر همان است خودتان اظهار فرمودید نظر اینست که شصت ماه اخیر بدون آفت است ولو اینکه از بیست سال قبل هم باشد. در قسمت دوم هم نظر این بوده است رئیس بلدی از نقطه نظر اطلاعات محلی و آن وظایفی که بکنفر رئیس بلدی یک محلی دارد و سایر دلایلی که دارد مقدم است بر رئیس انجمن برای اینکه بالاخره وضعیت را او حفظ میکند و ارزاق بطور کلی دست اوست از این جهت ما اینجا نوشتیم رئیس بلدی

رئیس .. موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس .. تصویب شد. پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقا سید یعقوب

پیشنهاد می کنم در ماده اول این نوع اصلاحات منظور گردد

عبارت باسئنائی تا مالیات مزبور نوشته شود در نقاط ذیل و نقاط معین شود عبارت نرخ آزاد نوشته شود مطابق واقع مقرون بصره و عبارت شصت ماهه نوشته پنجسال اخیر

رئیس .. بفرمائید

آقا سید یعقوب - چون نظر دولت بگذشتن این لایحه است و مجلس هم با اینکه دو سال تمام موافقت با دولت کرده است اگر هم نظری داشته باشد اینجا باز از جهت اشتراك مساعی با دولت رای خواهند داد که نکوبند مجلس با دولت اشتراك مساعی نکرده است خیر اشتراك مساعی می کنند تا روز آخر هم هر چه لایحه پیاورید رای میدهد اما مایک نظریاتی داریم نظریاتمان را عرض میکنیم و آقای تقی زاده گمان میکنم چون بنده همیشه در طرف منفی بودم همیشه طرف سوء ظنم غلبه دارد بر حسن ظنم بنده همیشه میدانم که هیچ وقت اگر نکندم گران بود در طهران خرواری چهل تومان بود برای تبدیل کندم بنقد نمیامدید امسال که خدا خواسته است و معلوم می شود خدا هنوز نظر رحیمی بها ندارد خدا خواسته است کندم در زنجان خرواری سه تومان و چهار تومان است در کرمانشاه خرواری بیست و چهار هزار است در عراق خرواری هشت تومان است در فلانجا فلان است در اینموقع که دست قدرت الهی خواسته است سروق این بدبختها باید و یک نان ارزانی مردم بخورند این دولت میگوید که خیر این مردم نباید نان راحت بخورند آمده است تبدیل میکند آمده است تبدیل را بمجلس پیشنهاد کرده است راست است آقا در دوره اول تشریف داشتید در دوره دوم بودید در دوره سوم و چهارم همیشه فریادزدند تبدیل کنید چرا تبدیل نکردید این مدت برای خاطر این که این مالیات جنسی سیصد هزار خروار یا چهارصد خروار امسال باین عنوان رویهمرفته شد چهار کروار روی آن کشیده خواهد شد بنده سوء ظن دارم که چکار کنیم این يك مسئله مسئله دیگر این است نوشته است قاطی که دولت مصلحت بداند آقا شما در ماده دوم و سوم نوشتید که اگر در موقع تخلف کرد و نداد این معاف است و باید فلان مجازات بشود اما آن قاطی که جنس میدهد معین نکرده است معین نگردید در کدام نقطه است اصفهان است شیراز است آذربایجان است، کرمان است، عراق است کدام نقطه از قاط است که از این قانون آن قاط را استثنا میکنید و اینجا

نوشتید باسئنائی قاطی که دولت مصلحت میداند بعد ماده دومش این است که اگر در موقع آن مالیات را نداد مطابق شش قسمتی که معین کردیم باید فلان عقوبت برش مترتب شود فلان مجازات را دارد باید نیم عشرویک عشر و دو عشر جریمه شود خوب تکلیف او که معین نیست آقا. کرمان چکار بکند پولش را قسط بدهد یا جنس است جنس را چه جور بدهد این ماده لاستیکی که غیر معین است این قاط کجاست که این صحیح نیست با آن ماده پس یک کاری بکنید که این ماده با آن ماده تالیقی پیدا کند مرتبط بهم بشود از این جهت است که بنده دیدم این ماده مخالفت دارد و با آن ماده جمع نمی شود پیشنهاد کردم که دولت معین کند آن قاطی را که در نظر دارد که جنس در آنجا از حیث نقطه نظر ارزاقی که ملت از گرسنگی مرحوم نشود آن قاط را معین کند کجاست نه اینکه ملاحظه کند که هر وقت هر جا جنس گران شد تبدیل نکند و اگر ارزان شد تبدیل کند اینکه نمیشود باید معین کند کجا جنس است و کجا نقد که دائماً معین و معلوم باشد این اولاً که عبارت باسئنائی قاطی که دولت بملاحظه احتیاجات ارزاقی ابقاء مالیات جنسی را در آنجا صلاح بداند مالیات مزبور بطور دائم تبدیل این عبارت بر داشته شود در قساط ذیل و قساط را هم معین کند این قاط قاط ارزاقی است که باید جنس بدهد و درمابقی دیگر باید تبدیل کند و آن عبارتی که نرخ آزاد همانجوری که بنده در کمیسیون خارجه فرمایشات آقای وزیر امور خارجه را استماع میکردیم و آنجا مشغول خدمت بودیم این کلمه آزاد معلوم شد که محل صحبت بود چون این کلمه نرخ آزاد هم يك کلمه است مثل کلمه آزادی که اول شنیدیم و ارزش مترسب این را خوب است این کلمه آزاد را معین کنند مطابق واقع و مقرون به صرفه آن کمیسیون هم هست سه نفرش از طرف دولت است سه نفرش از طرف مؤدی است اینجا یک قدری تعادل می شود يك قدری صرفه دولت را ملاحظه میکنند این تعادل می شود و الا نرخ آزاد کلمه لولامی شونده این معنی که بنده می گویم اگر این میز طلا بود و کرور قیمت داشت اما فرع این است که طلا باشد اگر

اینجا نرخ ارزاقی نبود فلانطور بشود این مسئله محل اختلاف میشود نکند آقا نه کمیسیون میتواند معین کند نه مأمور مالیه اما اگر ما بگوئیم مطابق واقع مقرون بصره آنوقت دو طرف می نشینند و واقع را در نظر بگیرند و صرفه را در نظر بگیرند و معین میکنند نظر بنده این است و اما کلمه که اهمیت دارد و باید تصدیق فرمائید کلمه شصت ماهه است آقای مخبر شما توجه بفرمائید این شصت ماه را ملاحظه کنید در ایران گندم در اول خرمن يك قیمت دارد دومه از اول خرمن گذشت قیمتش تفاوت میکند پانز قیمتش تفاوت دارد زمستان تفاوت میکند همینطور میماند در زمان گل سرخ بگیرند گندم تا خرمن جدید خیلی گران می شود در واقع دوازده ماه بنده میتوانم عرض کنم که در هر سال نرخ گندم دوازده جور است آنوقت شصت ماه شصت نرخ خواهد شد فکر کنید همه مان در ایران هستیم میدانم کار مشکلی می شود هم بر کمیسیون کار مشکل میشود هم بر مأمورین مالیه که نمیتوانند معین کنند اما اگر سال را در نظر گرفتیم و دوازده ماه را یکی کردیم در پنجسال آنوقت اشکال رفع می شود و آنوقت پنج نرخ را در نظر میگیرند و اینجا شصت نرخ را در نظر گرفته اند. آقای فهمی گویا این را پیشنهاد کرده اند بنده عقیده ام این است که اگر نرخ را پنجسال قرار بدهند اشکالش کمتر است اینجا هم بنده اصلاحی در نظر گرفته ام يك نظر هم در آن شور اول پیشنهاد کرده بودم که این کلمه که باتوافق نظر حاکم و رئیس مالیه شما همینجور که فرمودید ملاحظه میکنیم که بعدالت پیش برود این کلمه که باتوافق نظر حاکم و رئیس مالیه محتاج نیست برای اینکه مایک کمیسویی میخواستیم تشکیل شود و این کمیسیون تعیین نرخ کند سه نفر از طرف دولت است و از طرف مأمور مالیه سه نفر هم از طرف مؤدی این سه نفر از طرف مؤدی دیگر لازم نیست قید میکنید که با توافق نظر حاکم و رئیس مالیه اینهم بنظر بنده توضیحی بدهید بلکه اصلاحی بشود و الا خیلی مشکل است.

مخبر - فرمایشات اول آقا بنظر بنده عملی نیست برای اینکه احتیاجات ارزاقی را امروز نمیتواند دولت

در نظر بگیرد و معین کند بجهت اینکه هر سال تفاوت میکند و دولت باید در آن به پند کجا احتیاجات ارزاقی دارد در آنجا مالیات جنسی را ابقاء کند. راجع بکلمه مقرون بصره بنده گمان میکنم همین کلمه آزاد جامع آن فرمایش سرکار هست. راجع به تبدیل شصت ماه به پنجسال این قسمت را قبول میکنم برای اینکه فرقی نمیکند هم آن شصت ماه و هم آن پنجسال نظر مادر کمیسیون یک جور بوده است و بنده این قسمت را قبول میکنم و راجع بمتعمدین محل و اینها هم بنظر بنده آن معتمدین محل و تاجر غله از خود محل انتخاب می شوند و اینها هرگز نمی آیند برخلاف صرفه مالک یک رأی بدهند و بنده عقیده دارم که نظر آقای کاملاً تأمین شده است.

رئیس - پنج سال را تبدیل می کنید آقای (مخبر - بل) **رئیس** - (خطاب به آقای آقا سید یعقوب) نسبت بدو قسمت دیگر رأی میکیریم

آقا سید یعقوب - خیر آقای رأی نمیدهند مسترد میکنم پس میکیرم (خنده نمایندگان) مسلم میدانم و یقین دارم رأی نمیدهند **رئیس** - پیشنهاد دیگر: **پیشنهاد آقای مؤید احمدی**

بنده پیشنهاد میکنم در فقره سوم از ماده اول نوشته شود رئیس انجمن بلدی.

مؤید احمدی - عرض کنم که بنده در تظقی که کردم این موضوع را توضیح دادم که دو نفر اینجا از طرف دولت هستند یکی رئیس مالیه یکی حکومت دو نفر از معتمدین محل را مالک معین می کند یک نفر از تاجر غله را هم طرفین با توافق انتخاب میکنند آنوقت اگر رئیس انجمن بلدی نباشد و رئیس بلدی باشد او میشود نوکر دولت و آن طرف سه نفر میشوند و این طرف دو نفر لکن اگر رئیس انجمن بلدی باشد رئیس انجمن عرض کردم غیر مستقیم از طرف مردم انتخاب شده و مستقیماً از طرف دولت و حکم وزارت داخله را هم در دست دارد چه اشکالی دارد که عوض رئیس بلدی نوشته شود رئیس انجمن بلدی که دچار آن اشکال هم نشوند که در

خودمان را بدانیم و الا سایر پیشنهادات هم همینطور بکمیسیون رجوع شود ما نظرمان در کمیسیون همین بوده است که آورده ایم بمجلس و البته باید پیشنهاداتی که میشود اگر موافقت میفرمائید بفرمائید در اینجا خوانده شود که بدانیم کدامشان مورد توجه مجلس میشود که مجدداً اگر راپرتی میآید باز در اینجا مورد اشکال نشود بنا بر این اگر اجازه بفرمائید پیشنهادات را بخوانند هر کدام که قابل توجه شد ما تکلیف مان را بدانیم در کمیسیون. **رئیس** - ماده شصت و سه برای استحضار خاطر آقایان قرائت میشود:

ماده ۶۳ - اصلاحاتی که در ضمن شور ثانی پیشنهاد میشود در صورتیکه از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال میکند و فقط اعضاء کمیسیون حق جواب دارند پس از آن مجلس در باب قبول یا عدم قبول توجه رأی میدهد در صورت قبول توجه آن اصلاح به کمیسیون فرستاده میشود در باره این قبول اصلاحات نمی توان همان روز که پیشنهاد شده است رأی داد (صحیح است)

رئیس - حالا می فرمائید پیشنهادات را بخوانیم؟ **اعتبار** - خیر قربان برود به کمیسیون مانع ندارد اگر **مخبر** - بنده موافق هستم با اینکه پیشنهادات بیاید به کمیسیون.

رئیس - بسیار خوب سایر پیشنهادات ارجاع میشود به کمیسیون. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - مالیاتهای مستقیم در هر سالی در ۶ قسط ماهانه متساوی اخذ خواهد شد و عموم مؤدیان مالیات مکلف میباشند که مالیات خود را در رأس اقساط مقرر بدون انتظار مطالبه بمالیه محل یا وزارت مالیه بپردازند ولی هر مؤدی حق دارد که مالیات خود را قبل از مواعد مقرر بکجا و یا در مدت کمی بپردازد

تاریخ شروع بتأدیه مالیات به تناسب مقتضیات هر محل از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد اخذ کنندگان

مالیات مکلف میباشند در مقابل دریافت وجه قبض رسمی صادر و مؤدی تسلیم نمایند.

تبصره - امناء مالیه میتوانند بشرط قبول مسؤلیت نمایندگان مجازی در بلوکات باقراء تعیین و قائم مقام اداره مالیه در تحویل گرفتن مالیاتها نمایند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در این جا بنده در شور اول هم عرض کردم حالا که نظر ارفاقی داریم چون کسانی که می خواهند مالیات بدهند مردم ایران هستند اینها که دارای یک بودجه و دفاتر مرتبی نیستند که سر ماه آن اندازه پول دارد و فلان قدر مالیات جنسی با تقدی باید بدهد که این را متساویاً بدهد شش ماه ظرف است از برای دادن مالیات نه اینکه متساوی بودن در این مسئله شرط هستند و گمان می کنم خود دولت هم قبول کنند که با قید کردن متساوی بودن این تکلیفی است و زحمتی است بر مردم بدون اینکه تقعی هم برای دولت داشته باشد در ظرف ۶ ماه باید مالیات را بپردازد اگر در ظرف شش ماه نپرداخت و آن مالیاتی که باید بدهد نداد آن مجازاتی که در ماده سوم مقرر است بر آن متوجه میشود دیگر معین کردن متساوی گمان نمی کنم که یک تکلیف فوق العاده باشد این یک موضوع، موضوع دیگر اینکه در این جا خواستم آقای وزیر مالیه توضیح بدهند مالیاتهای مستقیم شامل مستغلات هم میشود یا نمیشود چون شنیدم هنوز مستغلات را مأمورین مالیه با اینکه مستغلات جزو بلدی شده است در ولایات هنوز مأمورین مالیه اخذ می کنند این آیا داخل در مستقیم است یا نیست؟ اگر هست آن قانون مستغلات را پس باید اصلاح کنیم یا اینکه باید نسخ کنیم که در آنجا هم متساوی باشد این است که اینجا این را بنده پیشنهاد کردم و دیگر در پیشنهاد هم عرض نمی کنم اگر قبول می کنید کلمه متساوی بر داشته شود و نوشته شود ظرف شش ماه است برای پرداخت مالیات و اگر ۶ ماه تمام شد و نداد آن مجازات که در ماده سوم است شامل او خواهد شد

همینطور راجع بمستغلات معین کنند که داخل در عنوان مالیات مستقیم است یا نه و مال بلدیه است؟

مخبر - عرض کنم همان ترتیبی که نوشته شده است بنده گمان می کنم که قابل ارفاق باشد برای اینکه يك مؤدی مالیات اگر بطور متساوی در اقساط معین مالیاتش را بدهد بطور تساوی عملی تر و بهتر از این است که يك مرتبه بدهد برای اینکه مالین را امتحان کردیم که هیچکس عادت ندارد که بدهیش را همینطور باقساط بدهد میگذارد و يك دفعه تا آن وقتی که آخر مهلت است آخر ۶ ماه میدهد و هرگز حاضر نیست زودتر بدهد ولی وقتی که بطور اقساط ماهیانه و مساوی شد خیلی منظم تر و سهولت خواهند داد خیلی هم برای شان بهتر است و آسان تر است.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقا سید یعقوب مخالفید؟

آقاسید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

ملک مدنی - کافی است مذاکرات

رئیس - آقای هزار جریبی موافقید؟

هزار جریبی - بنده يك توضیحی میخواهم بدهم...

رئیس - اگر مخالفید بفرمائید؟ (اظهاری نشد)

پیشنهادات قرائت میشود.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده دوم در سطر اول عوض کلمه ۶ قسط ماهانه متساوی نوشته شود شش قسط ماهانه اخذالی آخر

آقاسید یعقوب - بنده توضیح همان بود که عرض کردم حالا بسته بنظر مجلس شورای ملی است.

وزیر مالیه - برای اینکه اینهم قابل توجه نشود لازم است عرض کنم مقصود این است که مالیات را (که دین مردم است) در همان ماه اول

که مکلف می شوند بیاورند بدهند میشود نصفش را بدهد در اول یا همه اش را و بالاخره باید بدهد این جا مثل يك ارفاقی شده است که بتواند در ماه اول يك سدسش را بیاورد بدهد و اگر کمتر از شش یکش را در ماه اول بیاورد باو جریمه تعلق می گیرد و او واقعاً در شش ماه مکلف است که این را بدهد اگر غفلت کرد جریمه میشود بنا بر این غفلت نباید بکند ماه اول می تواند پنج یکش را بدهد عوض شش يك اگر میسرش شد که ماه دوم نتواند شش یکش را بدهد و اگر میترسد که ماه دوم نمیتواند بیاورد بدهد که زودتر تمام شود و زودتر راحت شود و خواهید دید که در مقام عمل خیلی از مردم برای اینکه نروند بمرکز بلوک و زحمت بکشند می آورند و میدهند اگر دارند که یکدفعه میدهند اگر ندارند که گفته شده است تا شش ماه که باو ارفاق شده باشد

آقا سید یعقوب - بنده استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم در ماده نوشته شود: در ظرف شش ماه

فیروز آبادی - این طرز که در ماده نوشته شده در ظرف شش ماه متساوی این احتمال میرود که هم اسباب زحمت مالک بشود و هم اسباب زحمت دولت بجهت اینکه خوب از شش قسط اگر مالک یا مؤدی يك قسط را کمتر داد آنوقت هم از برای دولت اسباب اشکال میشود از برای اینکه مکلف میشود که جریمه از او بگیرد و تولید اشکال میکند هم از برای رعیت و مالک که باید جریمه بدهد از طرفی هم برای دولت فرقی نمی کند چه يك مرتبه داده شود چه بتدریج خلاصه اش در ظرف شش ماه باید داده شود نظر دولت هم لابد نظر ارفاقی است با مالک و رعیت لذا بنده این پیشنهاد را کردم که در ظرف شش ماه داده شود اگر توانست در ماه اول نتوانست در ماه دوم همین طور تا آخر خواست بيك قسط

خواست بدو قسط به شش قسط دیگر از شش ماه عقب بیندازد بنده این را پیشنهاد کردم و گمان می کنم قابل قبول باشد

مخبر - اگر نظر آقا مساعدت با آنها است همین ترتیب را قبول کنند بهتر است برای اینکه بطور قطع پنج ماه و بیست و نه روز نخواهد داد و در روز آخر دچار زحمت است ولی اگر از اول بدهد بهتر است

رئیس - عده برای رأی کافی نیست. (پس از قدری تأمل) اگر اجازه میفرمائید پنج دقیقه تنفس داده شود؟

عده از نمایندگان - خیر

دستی - نمی شود

رئیس - بالاخره آقا بنده نیمساعت نمیتوانم منتظر آقایان بشوم. چه بکنم آقایان. آقای دستی بفرمائید.

دستی - بعقیده بنده تنفس فایده ندارد و تنفس لازم نیست. معنی ندارد آقا تنفس چند نفر رفته اند بیرون باید تذکر داد بیایند تو اگر هم نمی آیند مجلس ختم شود آقا اینکه معنی ندارد تازه نیمساعت است مجلس تشکیل شده حالا از اکثریت بیفقدان واقعا خوب نیست و واقعا اگر ما بخواهیم این طور رفتار کنیم سخریه میشود.

(چند نفر از آقایان نمایندگان وارد مجلس شدند و عده کافی شد)

رئیس - آقایانکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی گرفته میشود بماده دوم موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود: ماده سوم - هر مؤدی که اقساط مالیات خود را بموقع مقرر تأدیه نکند ملزم خواهد بود که برای هر مبلغی که تأدیه نتموده است بشرح ذیل علاوه بر مالیات مقررہ تأدیه نماید

سی روز تأخیر - نیم عشر اضافه
شصت روز تأخیر - يك عشر اضافه
نود روز تأخیر - يك عشر و نیم اضافه

یکصد و بیست روز تأخیر - دو عشر اضافه
تأخیر تأدیه مالیات علاوه بر صد و بیست روز جائز نبوده و مأمورین مالیه مکلف خواهند بود از حاصل املاک سهم مؤدی و در صورت عدم کفایت آن از بقیه دارائی مستنکف بطور مزایده با دعوت سه نفر از معتمدین محل بفروش رسانده و مطالبات دولت و هر گونه مخارجی که برای این مقصود پیش آید برداشت نماید.

تبصره ۱ - فروش از دارائی مستنکف موقعی بعمل خواهد آمد که پانزده روز قبل از انقضای مدت صد و بیست روز به مؤدی اخطار کتبی شده باشد
تبصره ۲ - در صورت بروز اختلاف بین مؤدیان و مالیه در عدم تأخیر در پرداخت جرائم موقتاً موقوف المطالبه خواهد ماند وزارت مالیه اختلاف را رسیدگی خواهد نمود در صورت محق بودن مؤدی اخذ جریمه معاف خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم حضور مبارک که در شور اول هم بنده نظر خودم را پیشنهاد کردم و معلوم شد در کمیسیون طرف توجه اعضاء کمیسیون نشده است اینست که حالا عرض میکنم همان فرمایشی که آقای تقی زاده فرمودند که باید مردم مالیات را دین خودشان بدانند و بیاورند بدهند بنده فرض میکنم يك دین قطعی شرعی دارم مؤدی دیگر از اینکه بالا تر نیست وقتی زبندی بعمر وی هزار تومان مشغول الزمه شد از عدلیه هم حکم صادر شد باجرا هم رفت آیا بدون هیچ ترتیبی مال او را میبرند؟ (عده از نمایندگان - نه خیر) هیچ همچو چیزی نیست اگر نداد خانه و تمام دارائی و ملک او را میفرشید و میبرد گاو رعیت را میبرد؟ این جانوشته است از بقیه دارائی او این همه چیز او را شامل میشود این است که بنده پیشنهاد کردم لااقل مستثنیات دین را

استثناء کنند حتی این را هم قبول نکردند بنده عرض میکنم که يك دين مسلمی را فرض میکنیم باشد بنده الان ماده ۶۳۰ قانون اصول محاکمات حقوقی راجع با اجرای احکام را الان مجبورم بخوانم:

ماده ۶۳۰ - اشیاء مفصله که از مستثنیات دین است توقیف نمیشود:

- ۱ - لباس و اشیاء و اسبابی که برای ایفاء حوائج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است
- ۲ - آذوقه موجوده بقدر احتیاج يك ماه مدیون و نفقه و کسوه اشخاص واجب النفقه
- ۳ - اسناد مدیون باستثنای کاغذ های قیمتی و سهام شرکت ها
- ۴ - لباس رسمی و نیم رسمی مدیون همچنین اسلحه و اسب اهل نظام حاضر خدمت
- ۵ - اسباب و الات زراعتی و حرفتی و صنعتی که برای شغل مدیون لازم است و همچنین دو ابی که برای زراعت لازم است.

از يك دين حقیقی و قطعی اینها باید استثناء شود اما حالا ۵ تومان مالیات بده ندارد بدهد گاوش فرش اسبابش را بفروش برسانند آذوقه اش را بفروشند این دیگر از آن تندتر که نباید برود ما فرمایش آقای وزیر مالیه را قبول میکنیم که مالیات دین اشخاص است و نباید بپردازند اما خوب يك استثنائی هم دارد يك بیچاره فرض میکنیم پنج من زمین دارد و يك جفت گاو خوب مالیاتش را نتوانست بپردازد فوری بروند گاو و زمین او را بفروشند و از هستی ساقش بکنند بنده عرض میکنم آقای بنده خودم عضو مالیه هستم آقای تقی زاده نیستند در جبرفت آقای تقی زاده نیستند در سیستان يك مامور ماهی ۱۵ تومانی است و ما این اختیار را بدیم بدستش او هستی مردم را میبرد يك قدری رعایت کنید مردم را لااقل رعایت کنید مراحل مستثنیات دین را (صحیح است)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقید؟

آقای وزیر مالیه هم جواب بدهند بعد در نظامنامه نوشته شود تا بولایات که میرود مأمورین مالیه نظر آقای وزیر مالیه و نظر مجلس را می بینند و در مقام عمل يك قدری سهل تر و ساده تر رفتار میکنند پس بگذارید يك قدری بیشتر مذاکره شود حالا بسته است بنظر آقایان.

رئیس - آقایان موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست
وزیر مالیه - مقصود آقا راجع به آن ماده از قانون اصول محاکمات حقوقی که آقا فرمودند

طباطبائی دیبا - ما ملتفت نمیشوم آقا

وزیر مالیه - آن ماده البته در این موضوع منطقی نمیشود. برای اینکه اینجا مسئله مالیات است ادعای کسی از کسی که قرضی کرده است و نداده است که نیست گفته اند از محصول فرض بفرمائید صدی سه و نیمش را بدهد در ظرف شش ماه هم بدهد اگر ۶ ماه نداد چهار ماه هم برش مهلت میدهند بعد جریمه و اینها باید بدهد و بالاخره اگر نداد از محصولش بردارند و این در واقع نود و شش من و نیم چیز دارد از آن بر میدارند اگر محصولش کافی نشد و در آن موقع موجود نبود البته باید از چیزهای دیگرش بدهد والا اگر اینطور نباشد که مالیات دولت وصول نمیشود و مستثنیات دین این جا مورد ندارد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - خوش می آید از آن روح آزادی و عدالتی که در آقای وزیر مالیه هست که نتوانست علناً بگوید آقا این رعیت بدبخت زراعت ندارد چیزی ندارد این بدبخت آخر باید برای شما باقی بماند اینکه نان ندارد بخورد دارائی او دهن گندم است و نتوانست بدهد آخر این را هم باید برود دست آس کند و بخورد او راهم اگر از او بگیرد که از کرسنگی میبرد خوب سال دیگر کی

زراعت کند و کی مالیات بدهد؟ این عبارت ازبقیه دارائی را که اینجا نوشته اید او که چیزی ندارد مأمور می رود فردا شلوارش را دردمیاورد میبرد (خنده نمایندگان) آخر بابا نکند این جور و الله ب مردم رحم کند اصل اینجا است آقا. مستثنیات دین اصل است و در همه جا که نمی شود همه چیز را گرفت از مردم اساساً آقای تقی زاده تصدیق بفرمائید این مالیات مستقیم مالیاتی نیست که بتواند اداره مملکت را بکند و از این شش کرور اگر چیزی عقب افتاد کار دولت و خرج دولت ازین برود این شش کرور نهایت يك کرور یا دو کرورش هم تأخیر بیفتد و اینطور نیست که چرخ دولت را از کار بیندازد که اینطور برمی دارید و می نویسید این را تصدیق بفرمائید که با آن روح عدالتی که در شما هست که نتوانستید علناً بیان کنید نمی شود و مناسب ندارد و آقا مستثنیات دین را ناچارید در نظر بگیرید یکی دیگر اینکه در ماده نوشته شده است هر گونه مخارجی و بطور مزایده وقتی که بنا شد دارای لوازم معیشت زیادی باشد مزایده میکنند خوب بر فرض که مزایده شد همین که نوشتیم هر گونه مخارجی آن مستخدمین و آن اشخاصی که جمع شده اند يك خرج هائی تهیه میکنند پس خوبست مقدار این مخارج راهم معین کنید و بنویسید که هر گونه مخارج کدام مخارج است. بطور اطلاق مضر است و اسباب زحمت می شود صدی يك صدی دو صدی سه معین کنید که اسباب زحمت بدبخت رعیت نشود این است که پیشنهادی هم در این موضوع کرده ام که بعد از آنکه آمدیم و مشخص مستثنیات دینش را در خارج دادیم اگر يك چیزهای زیادتری داشت و در مقام مزایده برآمدیم دیگر مطلق مخارج را تویسیم که شامل هر گونه مخارجی باشد بنویسیم صدی چندم بابت مخارج نیم عشر ربع عشر که دست مأمورین باز نباشد که هر گونه تجاوزی نسبت بمالك و این بدبختی که رعیت ایران شده است بکنند.

وزیر مالیه - بفرمائید پیشنهاد آقا را يك دفعه دیگر هم قرائت کنند

رئیس - هنوز پیش نهادی نداده اند شفاهاً مذاکره کردند

وزیر مالیه - بسیار خوب بنده خیال کردم پیش نهادی

قرائت شده است

اورنگ - بنده پیشنهادی در همین موضوع دارم
رئیس - ولی منافاتی ندارد با فرمایش شما ممکن است
 پیشنهادشان قرائت شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پس پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای موید احمدی

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده سه نوشته شود با استثنای
 مستثنیات دین که در قانون عاقلات حقوقی مصرح است
رئیس - آقای اورنگ هم شبیه باین پیشنهاد پیشنهادی
 کرده اند که قرائت میشود.

پیشنهاد آقای اورنگ

مقام منبع ریاست عالی مجلس دامت عظمة
 در ماده سیم پیشنهاد میکنم در صورت استنکاف مالکی
 از تأدیبه مالیات دولت از حاصل همان ملک مالیات خود را
 بر داشت و اخذ میکند و جمله (در صورت عدم کفایت
 آن از بقیه دارائی مستنکف تا آخر ماده حذف شود

وزیر مالیه - بنده همان پیشنهاد اولی را قبول می‌کنم

عراقی - پیشنهاد آقای اورنگ هم همان است

رئیس - پیشنهاد آقای اورنگ با پیشنهاد آقای موید

احمدی تفاوت زیاد دارد ایشان میگویند مستثنیات دین را
 که قانون معین کرده است - آقا می نویسند جمله از در
 صورت عدم کفایت آن از بقیه دارائی مستنکف گرفته
 میشود حذف شود این دو موضوع است آقا. آقای اورنگ
 توضیح می خواهد بدهید بفرمائید.

اورنگ - بنده استدعا میکنم که آقای وزیر محترم

مالیه و مخصوصا مخبر کمیسیون دقت بفرمائید عرض کنم
 که ما فرض مطلب را اگر بکنیم مطلب زود حل میشود.
 چطور فرض مطلب را بکنیم؟ دولت آمده است میگوید
 من صدی سه و نیم مالیات میگیرم صد خروار گندم سه خروار و
 نیم مالیات میگیرم. اینطور است؟ خیلی خوب حالا
 يك دهی که من باید از آنجا سه خروار و نیم مالیات بدهم

یعنی نود و شش خروار و پنجاه من مال من باشد و سه
 خروار پنجاه من آن را بدولت بدهم دولت می آید
 تسعیر می کند این سه خروار و پنجاه من را و میگوید
 خرواری ده تومان سه ده تومان سی تومان پنجاه منش
 هم پنج تومان این سی و پنج تومان سی و پنج تومان را
 تو بمن بده نود و شش خروار و پنجاه من مال تو فاعده و
 متعارف این است که من میدهم از برای سعادت و خوشی
 خودم و برای قطع گفتگوی من و مالیه حالا اگر مالیات
 بدهی آمد و نتوانست این سی و پنج تومان را بدهد و
 بازار فروش پیدا نکرد که سه خروار و پنجاه من جنس
 بفروشد یا ده خروار از این جنس را نتوانست بفروشد که
 پول آن سه خروار و پنجاه من را بدهد نتوانست تدارک کند
 و بیارود و بدهد بمالیه خوب امروز دیگر در غالب از بلدان
 ایران که يك خروارش محل فروش ندارد يك هزار خروارش
 هم محل فروش ندارد. حالا در همچو موقعی دولت برود و هم
 این صد خروار جنس او را ضبط کند و خودش بفروش
 برساند و بمقدار سی و پنج تومان که رسید بردارد و
 بزود ولی این ماده میگوید که خیر زائد بر آن صد
 خروار جنس هم دولت از ما بملک دیگرش هم جمع
 کند تا سی و پنج تومان را بر دارد و ببرد این در
 چه صورتی است؟ در صورتی است که صد خروارش
 را در بازار کسی نخرد به سی و پنج تومان خوب اگر
 صد خروار جنس را در بازار به سی و پنج تومان
 نخریدند یا اینقدر آفت بده رسیده باشد که آنقدر
 مقدورش نباشد از عین محصول همان ملک سی و پنج
 تومان بدولت بدهد دولت از همچو دهی میگوید من
 مالیات میخواهم اینرا میگوید؟ اینکه بر خلاف هر
 عدالتی است بلکه بر خلاف هر ظلمی است (خنده
 نمایندگان) بجهت اینکه وقتی که نباشد دهی که صد
 خروار محصولش باشد صد خروار آنقدر بهش آفت برسد
 که کسی او را به سی و پنج تومان نخرد و نتواند
 اینقدر پول تدارک کند با آنقدر جنس در بازار و اینقدر
 بی قیمت باشد که از فروش آن جنس نتواند پول تهیه

کنند و بدولت بدهد دولت از همچو ملکی مالیات میخواهد
 و میگوید کلیت کو بزنی او میگوید گوشواره ات کو
 و برای این دین مسلم شرعی و عرفی که داری تدارک کن
 از هر جا شده و سی و پنج تومان بمن بده بنده غرض
 این است که این ده مطالبه شده است ارزش مالیات با من
 میدهم با مستنکفم اگر مستنکفم که عین محصول ملک
 از من مطالبه شود چون این مالیات را
 زمین مقروض است به پنبه روی زمینش چه چیز است
 هر چه هست جمع کنید و بقدر مالیات نان ببرید
 مزایده بگذارید در سمساری چوب حراج بهش
 بزنید و بفروشید بالا و پائین تا سی و پنج تومان بشود
 این که ما نوشتیم در ماده که از زائد ما بملک مالک از
 مالک بگیرند این بر خلاف عدالت است حالا این ماده
 را می خوانم اگر درست بود با من موافقت کنید من
 مالیات بده نیستم آقایان ولی يك همچو امر مهمی دارد
 از مجلس ایران میگذرد و بس فردا دست و ریش و کلاه
 تمام افراد این مملکت گیر این ماده است. ماده این
 است آقا. ماده سوم:

ماده سوم - هر مودی که اقساط مالیات خود را
 در موقع مقرر تأدیبه نکند ملزم خواهد بود که برای
 هر مبلغی که تأدیبه نموده است بشرح ذیل علاوه بر مالیات
 مقرر تأدیبه نماید:

سی روز تأخیر - نیم عشر اضافه

شصت روز تأخیر - يك عشر اضافه

نود روز تأخیر - يك عشر و نیم اضافه

یکصد و بیست روز تأخیر - دو عشر اضافه

تأخیر تأدیبه مالیات علاوه بر ۱۲۰ روز جائز
 نیست (خیلی خوب) و مأمورین مالیه مکلف خواهند بود
 که از حاصل املاک سهم مؤدی در صورت عدم کفایت
 آن محصول از بقیه دارائی مستنکف بگیرند. به بینید
 همان است که بنده اول عرض کردم یا نه؟ (صحیح است)
 این توضیح من دل بستگی با این پیشنهاد ندارم که بشود
 یا نشود مربوط به شخص من نیست مربوط بمردم است

مربوط بابران است

وزیر مالیه - البته آقا این فرمایشی که فرمودند منی
 بر اشتباه است برای اینکه مقصود این نبوده است که
 تمام حاصل ملک را دولت آنجا برود يك کسی بگذارد
 که هیچکس دست بآن نزند و تمام آن را جمع آوری کند
 و آن کافی نباشد و دولت برود املاک و خانه او را بفروشد
 و بردارد همچو فرضی به بخشید فرض است ولی خیلی
 مستبعد است اگر محال نباشد خیلی مستبعد است که
 دولت سه خروار و نیم طلب دارد صد خروار از این
 بگیرد و این سه خروار و نیم را هم امسال تسعیر کرد
 بیست و چهار تومان و يك سالی بیاید که صد خروار
 را به بیست و دو تومان هم نخرند این خیلی بعید است
 فرض محال است (اورنگ - آن قسمت ماده را بزنید)
 اصلا این محال است و نظیر ندارد مقصود از اینکه اینجا
 نوشته شده است این است که اگر حاصل دست دولت آمد
 در صورتیکه اینطور شد آن چیزیکه دست دولت آمده
 اگر حاصل است بر میدارد و اگر حاصل نیست و کفایت
 نکرد و يك عشرش مانده روی زمین از مابقی چیزهایش
 بر میدارند مقصود این است

اورنگ - بنده پس از این توضیح آقای وزیر مالیه
 که عیناً این توضیح در صورت مجلس طبع میشود و
 منتشر خواهد شد پیشنهادم را مسترد میدارم برای اینکه
 مقصود من تأمین شده است دیگر

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده سوم در سطر آخر عوض کلمه
 هرگونه مخارجی نوشته شود دوعشر

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - این همین بود آقای وزیر مالیه که
 عرض کردم چون اینجا هست که اگر مستنکف واقع
 شد باید برود از بقیه دارائی بطور مزایده بادعوت سه
 نفر از معتمدین محل بفروش رسانده و مطالبات دولت
 و هرگونه مخارجی که فلان بنده عرض کردم این (و هرگونه
 مخارجی) کلمه مطلق است و دست مأمورین را باز

کرده است و زیادتی خرج میکنند دلشان که نسوخته است اما اگر ما یقین کنیم و بگوئیم از برای خرج نیم عشر بیشتر حق ندارد آنوقت محدود میشود والا با این ترتیب دستشان باز است. شما خیال نفرمائید که کمتر خرج کنند مسلم نیم عشر قبول کنید آن بیچاره از خدا میخواهد و با این شکل مسلم بیشتر خواهد شد این است که بنده پیشنهاد کردم که این را تبدیل کنند به نیم عشر بهتر است حالا مختارید **مخبر** - اینجا نوشته شده است و هر گونه مخارجی که برای مقصود وقتی که ما اینجا این قید را کردیم که برای این مقصود قطعا تجاوز نخواهد کرد بعلاوه آمدیم ربع عشر شد آنوقت چکار کنیم بنا بر این بنده تصور میکنم جای نگرانی نباشد

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است قرائت میشود

پیشنهاد میکنم ماده سوم بترتیب ذیل اصلاح شود ماده سوم - هر مؤدی که اقساط مالیات خود را در مواقع مقرره تأدیه نماید اقساط عقب افتاده را باضافه مبلغی که از صد دوازده اقساط مالیات تجاوز نخواهد کرد بپردازد ولی هر گاه تأدیه اقساط زیاده از چهار ماه بتأخیر افتاد مأمورین مالیه مجاز خواهند بود الی آخر ماده **شریعت زاده** - بنده نظر دولت را متوجه میکنم باینکه در هر پیشنهاد قوانین نه فقط باید رعایت مقتضیات را کرد بلکه رعایت اصولی که متناسب و موافق با ماهیت آن قانون باشد باید رعایت نمود اینجا این جریمه که نوشته شده است البته جریمه جزائی يك چیزی است که مردم را مکلف میکند که بروند مالیات بدهند و از آنطرف نظر قانون گذار باید این باشد که کارهای ناشی از تأخیر تأدیه جبرانش بر طبق اصولی باشد این کارهای ناشی از تأخیر تأدیه بر طبق يك اصلی در همه جا مطابق يك ترتیبی معین شده است فرض کنید يك کسی پرداخت يك دینی را بموجب حکم

يك محکمه ملزم شده باشد به بنید قوانین چه جور و چه طور تعیین و عمل میکنند. اساساً راجع بفروش بنده موافق نیستم که مأمورین دولت مکلف باشند زیرا که اگر مأمور دولت تشخیص داد که يك آدم معتبری نظر بیک حوادثی نمی تواند بپردازد و يك ماه دیگر میپردازد این کلمه مکلف او را مجبور میکند که با او موافقت نکنند زیرا که این جا يك حکمی است و هیچ مأمور دولتی نمیتواند تخلف از آن بکند بنا بر این حق دادن مهلت را ندارد اما کلمه مجاز است این تجویز را میکند وقتی که دید مؤدی مالیاتی نمیتواند بدهد و مالیاتش يك ماه بتأخیر افتاد يك ماه هم بهش مهلت میدهد بنده میخواستم عرض کنم که قانون همیشه نتیجه اش وقتی خوبست که صحیحاً استعمال بشود ترتیب نتیجه خوب بر قوانین فرع بر حسن اجرا و حسن استعمال است (صحیح است) و حتی معتقد هستم که اگر قوانین موجوده هم صحیحاً اجرا شود مالیات بتأخیر نمی افتد بجهت اینکه اهل این مملکت علاقه بمملکت خودشان دارند و برای اصلاحاتی که در این مملکت جریان دارد هیچوقت استنکاف از تأدیه مالیات نمیکند. بنده سه دوره در مجلس نماینده بودم آدم مؤثری هم هستم املاک هم دارم با این حال مالیات بنده پرداخته شده پس هیچ کس نیست که بخواهد مالیاتش را نپردازد و اگر يك مقاومتی میشود در نتیجه يك تحمیلات بی مورد مأمورین مالیه است. این است که بنده امیدوارم که در آتی مملکت و دولت در سایه حسن استعمال قوانین بر تمام مشکلات غلبه پیدا کنند (صحیح است)

وزیر مالیه - راجع به مسئله مقایسه این با دین های حقوق و مجازات این عرض میکنم يك اختلاف بزرگی هست وقتی که کسی دین خود را ادا نکرد البته مطابق قوانین حقوقی تعقیب میشود و ممکن است در صورتیکه نتواند بدهد حبسش بکنند محبوس بشود صاحب دین مجبور نیست که فوراً طلب خودش را وصول کند برای اینکه هر وقتی که وصول کرد دبر یا زود وقتی محکمه حکم کرد

به وصول وصول میشود. ولی این جامالیات است و مالیات اگر میخواهد منطماً وصول شود غیر از این ترتیبی که نوشته شده است راه دیگر ندارد یعنی باید در یکسال معینی در مقابل مخارج معین این وصول شود در صورتیکه مخارج معینی دارد در هر سال نمیشود که يك تأخیر غیر مجود برای او قائل شد و با دیون حقوقی مقایسه نمود و دیون دیگر شباهت داد ما مدیون را که حبس نمیکنیم و بعد اگر در مذاکرات شخصی استعمال لفظ دین کردم در واقع دین است و به پرداخت آن مقید است و اگر نداد جزو بقایا میشود و هر وقت باشد وصول میشود. شباهت با دین همین است و این چیزی است که خود اهل مملکت برای اشتراک در مخارج باید بدهند در ظرف آن سال و در مقابل و کلای ملت تصویب کرده اند که این مخارج بشود و هر چیزی هم که گرفته نشود و مصرف نرسد باید وصول شود و داده شود لهذا میخواهم خواهش کنم که آقا این قسمت را اصرار نفرمایند ولی در قسمت دوم بنده هم عرضی ندارم اینکه میفرمایند مکلف است را مجاز است بکنند چون فرقی نمیکند و با مجاز است هم مقصود حاصل میشود بنده قبول می کنم.

رئیس - نظر آقای مخبر هم همین است که تبدیل شود؟

مخبر - بنده هم قبول میکنم.

رئیس - این قسمت تبدیل مکلف است به مجاز است را که خودشان قبول کردند رأی گرفته میشود به بقیه پیشنهاد ایشان یعنی بمقابل توجه بودن آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای دهستانی قرائت می شود.

پیشنهاد میکنم در ماده سوم بعد از کلمه مکلف است نوشته شود عوامل و سایر مصالح الاملاک زراعتی و اشیائی که جزو مستثنیات دین است الی آخر.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - پیشنهاد آقای مؤید احمدی نظر بنده را تأمین کرد و دیگر وقت مجلس را تلف نمیکنم (رئیس - تند نویسان میگویند نمی شنویم بلند تر صحبت کنید) فقط در پیشنهاد خودشان اضافه کنند قانون محاکمات حقوقی

رئیس - پیشنهاد آقای ونوق

مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکت در تبصره دوم پیشنهاد میکنم در جمله خیر بعد از کلمه مؤدی کلمه (از) اضافه شود جمله باین ترتیب اصلاح شود

(مؤدی از اخذ جریمه معاف خواهد شد)

آقا سید مرتضی ونوق - بنده توضیح ندارم فقط این عبارت چندان مقصود را نمیفهماند. مینویسد: در صورت محق بودن مؤدی اخذ جریمه معاف خواهد شد این معنی ندارد آن روز هم بنده پیشنهاد کردم نوشته شود از اخذ جریمه معاف خواهد بود

وزیر مالیه - لازم است عرض کنم که دولت با این تبصره موافق نیست و این تبصره را هم بنده در کمیسیون قبول نکردم والان در موقعیکه این را ملاحظه میکنم می بینم که این چاپ شده است و شاید کمیسیون قبول کرده است و این را خودشان رأی داده اند و چاپ کرده اند این تبصره را آقایان باید ملاحظه فرمایند که در اصل مطلب ما هر قدر مباحثه و مذاکره کنیم يك مطلب را یا قبول داریم یا نداریم در اصلش هر قدر باید مذاکره بکنیم میکنیم ولی اگر اصلش را قبول کردیم آنوقت دیگر نیم عشر بدهد یا يك ربع بدهد یا اینکه هیچ ندهد این يك چیزی ولی اگر بنا باشد بدهد و جریمه هم لازم باشد برای اینکه تأثیری در انتظام کار داشته باشد دیگر بعضی چیزها بر آن اضافه کنند که آخرش خودش بشود و خودش این معنی ندارد وقتی که از يك طرف گفته شد سی روز تأخیر نیم عشر نودروز تأخیر يك عشر و نیم بکصد و بیست روز فلان بعد از بکصد و بیست روز هم از حاصلش بردارند و مزایده و

فلان و همه اینها آنوقت میگوید در صورت بروز اختلاف یعنی در واقع يك محکمه باز برقرار میکنند که اگر این اختلاف داشته باشد که او بگوید من آوردم دادم اولاً همچو چیزی متصور نیست برای اینکه وقتی در کمسیون این را گفتند بنده گفتم بلی فرض نمکن است ولی در ماده دیگر مینویسد در جای مخصوص خودش که وقتی داد قبض میگیرد و قبض هم تاریخ دارد آمدیم يك فرض دیگر قرار دادند گفتند که مأمور مالیه درب اداره اش را می بندد و در میرود میرود به شهر دیگر محض غرضی که با مؤدی در زد که اگر آمد او را آنجا پیدا نکند همچو فرضی خیلی مستبعد و محال است گفتیم آنطرف مینویسیم که به مالیه محل یا بمالیه مرکز با وزارت مالیه هم میتوان بدهد همه این چیزها بنظر رسیده است یعنی يك کسی که مالیات خودش را که برد بدهد اولاً که مالیه محل همیشه آنجا نشسته است مالیه است امین مالیه دارد وقتی که می آورند میدهند دلیل ندارد که نگیرند مالیات دولت را بگیرند وقتی هم که میگیرند قبض میدهند قبض هم تاریخ دارد چطور میشود بعد بیاید بگوید که من تاخیر نکردم و او میگوید تاخیر کردی مؤدی يك ماه بعد از موقع می آید بدهد و میگوید خیر در موقع دادم یا اینکه مأمور مالیات را در موقعش میگیرد و بعد ادعا میکند که دوماه بعد داده این خیلی مستبعد است لهذا بنده عرض میکنم که دولت با این تبصره دو موافق نیست

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای وثوق را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگری رسیده است قرائت میشود

پیشنهاد آقای قاضی نوری

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی شید الله ارکانه بنده پیشنهاد میکنم ماده سه اینطور اصلاح شود - تاخیر تأدیه مالیات علاوه بر صدو بیست روز جائز نبوده

و مأمورین مالیه مکلف خواهند بود از حاصل املاک مؤدی با دعوت سه نفر از معتمدین محل بفروش رسانیده و در صورت عدم کفایت از دارائی منقوله مؤدی در همان محل یا در جای دیگر داشته باشد باندازه کسر مالیات مؤدی حراج نمایند و چنانچه کفایت نکند املاک مؤدی توقیف و در سال آینده دو برابر آنچه پرداخته باشد با مالیات آن سنه وصول و بقیه محصول را با اختیار صاحب ملک بگذارند الخ

رئیس - بفرمائید

قاضی نوری - البته خاطر محترم آقایان مستحضر است که وضعیت فلاحت ایران (نمایندگان - بلند تر) مذاکره شد که اگر مؤدی نتواند مالیاتش را بپردازد دولت از اموال منقول و غیر منقول او باندازه آن مالیاتی که طلب دارد حراج می کند و میگیرد. بنده نظر میکنم باین قسمت که اگر بنا باشد يك کسی دارای يك ملک باشد و او بواسطه اتفاقی نتواند مالیاتش را بپردازد یعنی نکس زراعی داشته باشد که نتواند بپردازد و آن کسانی که از طرف او بودند اطلاع نداشتند که باین اطلاع دهند که محصول آنها از بین رفته است یا بواسطه اتفاقاتی یا خرمن او سوخته یا کسی برده باشد که نتواند مالیات را بپردازد آنوقت شاید اموال منقول هم نداشته باشد دولت بیاید ملک او را حراج کند این بکلی قانون مالکیت را لغو میکند متزلزل میکند و اشخاص دیگر نه رغبت میکنند ملکی را بخرند و نه ملکی را آباد کنند برای اینکه چیزی که در اختیار او نباشد او هرگز اقدام بآن کار نخواهد کرد این بود که روی این قسمت بنده تقاضا کردم که اگر چیزی داشته باشد اموال منقولی داشته باشد که جای دیگر باشد آن را حراج کنند و اگر نداشته باشد حاصل آن سنه را دو برابر از او بگیرند ولی ملک او حراج نشود بنده عقیده ام این است و این قسمت را اگر آقای وزیر مالیه با آقای مخبر توضیح بدهند که تأمین بشود بنده پیشنهاد را مسترد میکنم والاخیر بعضی از نمایندگان - رای رای

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای قاضی نوری آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای اعتبار در تبصره دوم پیشنهاد میکنم بعد از کلمه تاخیر کلمه (در) حذف شود و بعد از کلمه (پرداخت) کلمه مالیات اضافه شود

عدل - بنده هم يك پیشنهادی در همین موضوع کرده ام **اعتبار** - عرض کنم که این يك اصلاحی بود که بنده در این تبصره دو کردم و محتاج نبود که بیایم اینجا وقت آقایان را بگیرم ولی فرمایشات آقای وزیر مالیه و این پیشنهاد هم چون اول مال بنده بود لازم دانستم که يك توضیح بیشتری بدهم تبصره دو را که ما پیشنهاد کردیم نظر مان این بود که در مالیات و اخذ مالیات ممکنست تاخیری بشود بلکه نظر مان روی همان فلسفه ارفاقی بود که خود آقای وزیر مالیه توضیح فرمودند و نیتمان همینطور است که حتی الامکان مردم را از اخذ جریمه معاف بدارند البته يك کسی که اختلاف پیدا میکند با مأمور مالیه بیک صورتی است حالا یکی از این صورت ها ممکن است این باشد که مأمور مالیه در موقع پرداخت در آن محل نبوده یا مثلاً (کازرونی مریض بوده) یا يك مؤدی بتوسط پسر خودش قسطش را فرستاده یا دو روز تاخیر شده علاوه بر سی روز یا نود روز این اختلاف در چه وقت پیدا میشود در موقع جریمه در موقعی که مالیاتش را داده است. در سر جریمه اختلاف است در سر خود مالیات اختلاف نیست میگوید این مالیات را در فلان تاریخ در سه روز بعد از آن سی روز داده ام پس جریمه بمن تعلق نمیگیرد مأمور میگوید خیر چون تو سه روز تاخیر کردی جریمه بتو تعلق میگیرد حالا ما این جا گفتیم حق داشته باشد به وزارت مالیه مراجعه کند و وزارت مالیه قضیه را برسد به بیست اگر چنانچه واقماً تاخیر نکرده او را معاف کند گفتیم بکلی معاف باشد گفتیم رسیدگی کنند و تماشای راه نمیشود فرض کرد که مأمورین مالیه یا سر تحصیلداران

يك مردمان بی غرض بی نظری هستند و بالاخره از همه چیز دور اتفاق افتاده اند و هیچ نظری ندارند که در يك جا بگویند که فلان موقع تو پنج روز تاخیر کردی و برای او يك عشر سه عشری قائل شوند و بعد هم بیایند يك حل و عقد هائی هم بکنند نظر ما این بود که این تبصره را این جا بگذاریم که حتی الامکان از سوء نظر مأمورین جلوگیری کرده باشیم ولی در ضمن هم همانطوریکه عرض کردم که این هیچ نباید اسباب نگرانی دولت بشود که ممکن است با این تبصره آنوقت در مالیات ها و پرداخت اقساط يك تاخیری بشود زیرا مؤدی موقعی میتواند از این تبصره استفاده کند که مالیاتش را پرداخته باشد و دسر جریمه دعوی بکند.

وزیر مالیه - عرض کنم ظاهر عبارت ط. و ر. خوبی نیست اگر مقصود و منظور ایشان جریمه است که مطلب فرق میکند منظور تاخیر در باره جریمه است؟ چون که این عبارتی که این جا نوشته است (اعتبار - منظور جریمه است بنده اصلاح کردم) ظاهر عبارت این است که راجع تاخیر در پرداخت مالیات يك لفظ مالیات علاوه کنند و این هم که میفرمایند مالیاتش را داده از کجا میفهمند که داده است میفرمایند ناموقع قسط آینده از کجا معلوم می شود خوب اگر مالیات را نداده این جریمه تعلق میگیرد پس باید عبارت را اصلاح کنید.

اعتبار - اصلاح میکنم.

رئیس - بالاخره پیشنهاد چه شد.

ملك آرائی - يك بار دیگر قرائت شود.

(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

اعتبار - صحیح است

رئیس - نظر آقای مخبر

عدل - بنده هم يك پیشنهادی در این زمینه کرده ام

رئیس - بعد قرائت میشود. بنده برای سهولت کار راهنمایی میکنم چون بماده نمی شود رای گرفت برای این که پیشنهاد آقای شریعت زاده قابل توجه شده است باستناد ماده ۶۳ رای گرفتن در این جلسه باین ماده

میسر نیست اگر آقای مخبر قبول کنند این هم بکمسیون
میروند طبعاً

مخبر - قبول میکنم.

رئیس - پس بنا براین دو پیشنهاد دیگری که رسیده
است میخوانیم که این ماده را تمام کنیم.

پیشنهاد آقای عدل

عبارت تبصره ۲ بترتیب ذیل اصلاح شود:

در صورت بروز اختلاف بین مؤدیان و مالیه نسبت
بعدم تاخیر در پرداخت جرایم مطالبه جرایم فوق موقتاً
موقوف خواهد ماند.

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم جمله (و هرگونه مخارجی) الی
آخر از آخر ماده سه حذف شود

رئیس - قبول میکنید که برود به کمیسیون ماده سه
میماند برای بعد. آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارید؟

[۴ - شور اول معاهده صنعتی ایران و آلمان]
وزیر امور خارجه - بنده با معذرت از اینکه

داخل می‌شود در شور اینقانون میخواهم جلب توجه
آقایان محترم را بکنم که وزارت خارجه يك لایحه
دارد در مجلس شورای ملی که دو شوری است و
يك ماده واحد هم هست و امروز اگر شور اول آن
بعمل نیاید آنوقت آن لایحه میماند میخواهم تقاضا کنم
از آقایان که شور اول آن ماده واحد را بفرمایند و
گمان میکنم معطلی هم نداشته باشد چون در باب يك
قرار دادی است که دولت ایران با دولت آلمان بسته
است و مذاکره ندارد اگر توجه فرمایند که این شور
اول را بفرمایند بنده خیلی متشکر می‌شوم.

نمایندگان - موافقم اشکالی ندارد.

رئیس - اشکالی نیست (خیر) خبر کمیسیون
امور خارجه در این موضوع قرائت میشود.

کمیسیون امور خارجه در جلسه هشتم آبان ماه لایحه
نمره ۱۴۹۹۵ - ۷۱۳۱۱ دولت راجع معاهده علائم
صنعتی بین ایران و آلمان را تحت شور در آورده پس
از مذاکرات زیادی اکثریت کمیسیون با لایحه مزبور

موافقت نموده و ماده واحد ذیل را تقدیم ساحت مجلس
شورای ملی مینماید:

ماده واحد - مجلس شورای ملی قرار داد حمایت
تصدیقنامه‌های اختراع علائم صنعتی با تجارتی و اسامی تجاری و طرح‌ها
و حقوق مالکیت صنعتی مشتمل بر دو ماده را که در
تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۳۰ (۵ اسفند ماه ۱۳۰۸ شمسی)
بین دولتین ایران و آلمان امضا شده است تصویب و
اجازه مبادله نسخ صحه شده آن را بدولت میدهد.

رئیس - مذاکرات در کلیات است مخالفی نیست فقط
اعتراضی از آقای آفاسیدیدعقب رسیده است که باید آن اعتراض
۲۴ ساعت قبلاً طبع و توزیع شود بعد برای ارجاع آن
بکمیسیون رأی بگیریم این است که در شور ثانی مطرح
میشود رأی میگیریم برود در مواد موافقین قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول مطرح است اعتراضی
نرسیده است. ماده دوم. اعتراضی نرسیده است رأی
میگیریم برود در شور دوم موافقین با ورود در شور
دوم قیام فرمایند

(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم لایحه ممیزی
قرائت میشود.

[۵ - بقیه شور ثانی لایحه ممیزی از ماده ۴]

ماده چهارم - کلیه مالکین و یا نمایندگان آنها مکلفند که
شصت روز بعد از تصویب اینقانون منتهی در ظرف سه
ماه اطلاعات ذیل را کتباً با اداره مالیه محل و یا نماینده آن
تسلیم نمایند اداره مالیه هم مکلف بدادن رسید خواهد بود

۱) اسم ملک و ولایتی که در آن واقع است

۲) اسم یا اسامی مالکین

۳) میزان متوسط انواع محصول ملک بر طبق عمل
کرد ملک در سه سال از سالهای اخیر بدون افت

۴) عواید نقدی و جنسی ملک در سال عادی بدون آفت

۵) عده جفت کاو و یا عوامل متشابه

۶) تناسب تقسیم محصول بین مالک و رعیت

۷) مخارج معمولی ملک در هر سال

هفتاد و پنج نفر از آقایان در مجلس حاضر هستند و ما
برای رای هشتاد و يك نفر لازم داریم و بنا بر این
کار نمیتوانیم بکنیم...

یاسائی - برای مذاکره که عده کافی است

رئیس - گفته میشود برای مذاکره. برای مذاکره
چه نتیجه خواهد داشت چون باید رأی گرفت. این

در تشخیص است که قسمتی از رفقا میگویند که ما در
تعیین وقت مرجع این بوده است که از صبح عدول نمیگردیم

حالا هم ما تعقیب کنیم عقیده اکثریت آقایان را اگر
موافقت میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

جلسه آینده شنبه سه ساعت قبل از ظهر

(مجلس هفتساعت ونیم بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

نسبت با مالکی که در اجاره هستند اطلاعات مذکوره
باید با مضای مالک و یا نماینده آن و مستأجر ملک باشد
وزارت مالیه مکلف است که از تاریخ تصویب اینقانون منتهی
تا دو ماه تمام وسائل انجام اظهارنامه‌های فوق را در هر
محل تهیه و اعلانات لازمه را چه بوسیله مأمورین خود و
کدخدایان قراء و چه بوسیله نشر در جراید منتشر سازد و
اوراق اظهارنامه‌ها را تهیه و بدسترس مالکین بگذارد.

رئیس برای مذاکره اکثریت نیست

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

بعضی دیگر از نمایندگان - تنفس

در اینموقع جلسه بعنوان تنفس تعطیل و بفاصله ۲۰
دقیقه مجدداً تشکیل گردید

[۶ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - برای کار کردن اکثریت نداریم برای آنکه